



دانشگاه لیبلا
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

زبان و ادبیات فارسی

شوخی طبعی در آثار سنایی

از

حرمت مصلح رشت آبادی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمد کاظم یوسف پور

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر فیروز فاضلی

۱۳۸۹ / ۷ / ۳

کتابخانه مرکزی

تاسیس ۱۳۸۸



شهریور ۱۳۸۸

۱۴۱۵۷۲

تقدیم به آنی کہ

صبوریش سرلوحہ لحظہ بہ لحظہ کارہایم بود

«همسرم ، جناب آقای حسین یگانہ»

به نام آموزگاری که درس زندگی را به زیباترین شکل موجود آموخت.

ابتدا سپاسگزار آنی‌ام که در من قدرت، استعداد و هنر آموختن را به ودیعه نهاد تا زحمات بهترین مخلوقات او را به اندازه وسع خود پاسخ گو باشم.

آموزگار گرچه خداوندگار نیست در روزگار بهتر از آموزگار نیست

گفتن از آموزگار و سپاس از او وقت و امکان بیشتری از یک صفحه کاغذ را می‌طلبد. اما برای اینکه شاید گوشه‌ای از زحمات آنها جبران شود، با تمام خلوص ابتدا از استاد محترم، جناب آقای دکتر یوسف پور تشکر می‌کنم که در این مسیر با دانش عمیق و دلسوزی پدرانه‌اش مرا راهنمایی نمود. سپس از استاد گرامی، جناب آقای دکتر فاضلی سپاسگزارم که با دادن راهکارهایی تلاش مرا در تبیین این رساله پرورش می‌داد.

در پایان با تشکر فراوان از اساتید دیگر گروه زبان و ادبیات فارسی از صمیم قلب سپاسگزار همسر، خانواده و دوستان عزیزم؛ سرکار خانم حورا قهرمانی و سرکار خانم معصومه صادقی هستم که با راهنمایی‌ها و مهربانی‌های بیش از حدشان، راهنما و مشاوره‌های دیگری در تنظیم و نگارش رساله‌ام بودند.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۱ | چکیده به فارسی |
| ۲ | چکیده به انگلیسی |
| ۳ | کلیات |
| ۳ | ۱- بیان مسئله، ضرورت و اهداف پایان‌نامه |
| ۳ | ۲- روش تحقیق |
| ۴ | ۳- پیشینه تحقیق و مشکلات پایان‌نامه |
| ۵ | فصل اول: سنایی و جایگاه شعری او |
| ۵ | ۱-۱ زندگی‌نامه سنایی |
| ۷ | ۱-۲ سبک سنایی |
| ۸ | ۱-۳ شعرسنایی (ساحت‌های وجودی و شعری سنایی) |
| ۱۲ | ۱-۴ عصرسنایی |
| ۱۶ | ۱-۵ جایگاه سنایی در تاریخ شعر فارسی |
| ۱۸ | فصل دوم: شوخ‌طبعی و گونه‌های ادبی آن و زبان ادبی و نظریه فرمالیست‌های روسی و ساختار گرایان |
| ۱۸ | ۲-۱ شعر و تقسیم‌بندی آن از نظر معنی، ماهیت و اغراض |
| ۲۱ | ۲-۲ شوخ‌طبعی و گونه‌های ادبی آن |
| ۲۱ | ۲-۲-۱ شوخ‌طبعی |
| ۲۲ | ۲-۲-۲ شوخ‌طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۲۲ | ۲-۲-۳ چگونگی مطایبه‌آمیز بودن متن |

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۲۲ | ۱-۳-۲-۲ نظریه معنایی راسکین |
| ۲۳ | ۲-۳-۲-۲ نظریه معنایی گِرِما |
| ۲۴ | ۳-۳-۲-۲ نظریه فونازی |
| ۲۴ | ۴-۲-۲ نکات مهم در ساختار شوخ طبعی یا مطایبه |
| ۲۵ | ۵-۲-۲ نظریه‌های رایج درباره متون مطایبه‌آمیز |
| ۲۵ | ۱-۵-۲-۲ نظریه شناختی - ادراکی |
| ۲۶ | ۲-۵-۲-۲ نظریه روان‌شناختی |
| ۲۶ | ۳-۵-۲-۲ نظریه نشانه‌شناختی |
| ۲۷ | ۶-۲-۲ اهمیت و ارزش شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۲۸ | ۷-۲-۲ خنده و شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۲۸ | ۱-۷-۲-۲ خنده و لبخند |
| ۲۸ | ۱-۱-۷-۲-۲ خنده |
| ۳۰ | ۲-۱-۷-۲-۲ لبخند |
| ۳۰ | ۲-۷-۲-۲ نقش خنده و لبخند در شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۳۲ | ۳-۷-۲-۲ خنده و رستگاری |
| ۳۳ | ۸-۲-۲ عوامل و انگیزه‌های شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۳۳ | ۱-۸-۲-۲ عوامل شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۳۳ | ۲-۸-۲-۲ انگیزه‌ها و دلایل شوخ طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۳۳ | ۱-۲-۸-۲-۲ انگیزه‌های روانی |
| ۳۳ | ۲-۲-۸-۲-۲ انگیزه‌های اجتماعی |
| ۳۳ | ۳-۲-۸-۲-۲ انگیزه‌های سیاسی |

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۳۳ | ۲-۲-۸-۲-۴ انگیزه‌های هنری |
| ۳۴ | ۲-۲-۹-۳ مضمون و تکنیک‌های شوخ‌طبعی یا مطایبه ادبی |
| ۳۴ | ۲-۲-۹-۱ فرم |
| ۳۴ | ۲-۲-۹-۲ مضمون |
| ۳۴ | ۲-۲-۹-۳ تکنیک‌های شوخ‌طبعی |
| ۳۴ | ۲-۲-۹-۱ طنز |
| ۳۹ | ۲-۲-۹-۳ هجو |
| ۴۷ | ۲-۲-۹-۳ هزل |
| ۵۰ | ۳-۲-۹-۴ کاریکاتور |
| ۵۰ | ۲-۲-۹-۳ کاریکلماتور |
| ۵۱ | ۲-۲-۹-۳ طعنه یا کنایه‌آمیز / آیرونی |
| ۵۴ | ۲-۲-۹-۳ لطیفه |
| ۵۵ | ۲-۲-۹-۳ کمدی |
| ۵۶ | ۲-۲-۳-۹ تقلید خنده‌آور و مسخره‌آمیز |
| ۵۹ | ۲-۲-۳-۱۰ گروتسک |
| ۶۰ | ۲-۳ شوخ‌طبعی ادبی و آشنایی زدایی / غریب‌سازی |
| ۶۰ | ۲-۳-۱ زبان ادبی |
| ۶۵ | ۲-۳-۲ فرمالیست‌های روسی و آشنایی زدایی / غریب‌سازی |
| ۶۶ | ۲-۳-۳ ارتباط شوخ‌طبعی ادبی با آشنایی زدایی |

فصل سوم: آثار سنایی و گونه‌های شوخ‌طبعی یا مطایبه ادبی و بررسی آنها براساس نظریه فرمالیست‌های

| | |
|--|-----|
| روسی و ساختارگرایان | ۶۸ |
| ۱-۳ آثار سنایی و شوخ‌طبعی یا مطایبه ادبی | ۶۸ |
| ۲-۳ گونه‌های شوخ‌طبعی ادبی در آثار سنایی | ۷۱ |
| ۱-۲-۳ طنز | ۷۱ |
| ۱-۲-۳-۱ طنز اجتماعی | ۷۱ |
| ۲-۳-۱-۲ طنز مذهبی | ۷۳ |
| ۳-۲-۱-۳ طنز موقعیتی | ۷۶ |
| ۴-۱-۲-۳ طنز بیانی | ۷۸ |
| ۲-۲-۳ هجو | ۸۱ |
| ۱-۲-۲-۳ هجو طنزگونه | ۸۲ |
| ۲-۲-۳-۲ هجو هزل‌گونه | ۸۹ |
| ۳-۲-۳ هزل | ۹۲ |
| ۱-۳-۲-۳ انگیزه شخصی - تفنی | ۹۳ |
| ۲-۳-۲-۳ انگیزه تعلیمی | ۹۴ |
| ۴-۲-۳ کاریکلماتور / بازی زبانی | ۹۵ |
| ۱-۴-۲-۳ بازی زبانی با استفاده از حروف | ۹۵ |
| ۲-۴-۲-۳ بازی زبانی با استفاده از کلمات | ۹۷ |
| ۵-۲-۳ طعنه یا کنایه / آیرونی | ۱۰۱ |
| ۱-۵-۲-۳ طعنه یا کنایه طنزآمیز | ۱۰۱ |
| ۲-۵-۲-۳ طعنه یا کنایه هزل‌آمیز | ۱۰۷ |

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱۰۷ | ۳-۲-۶ تمثیل |
| ۱۰۸ | ۳-۲-۶-۱ تمثیل‌های طنزآمیز |
| ۱۱۲ | ۳-۲-۶-۱-۱ حکایت‌های تمثیلی طنزآمیز و هزل‌آمیز |
| ۱۱۷ | ۳-۲-۶-۱-۲ تشبیهات تمثیلی طنزآمیز |
| ۱۱۹ | ۳-۲-۶-۱-۳ تشبیهات غیرتمثیلی طنزآمیز و هزل‌آمیز |
| ۱۲۱ | ۳-۲-۷ کنایه طنزآمیز |
| ۱۲۳ | ۳-۲-۸ مناظره یا گفتگوهای ظریف |
| ۱۲۶ | ۳-۲-۹ غزل‌های واسوخت و وار |
| ۱۲۸ | ۲-۳ بررسی شاخه‌های شوخ‌طبعی در آثار سنایی از نظر فرمالیست‌های روسی و ساختارگرایان |
| ۱۳۰ | فصل چهارم: نتیجه‌گیری |
| ۱۳۷ | فهرست منابع و مآخذ |

فهرست نمودارها

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| فصل دوم: شوخ‌طبعی و گونه‌های ادبی آن و زبان ادبی و نظریهٔ فرمالیست‌های روسی و ساختارگرایان | ۱۸ |
| ۱-۲ فرایند ارتباطی | ۶۱ |
| ۲-۲ نقش‌های پیام | ۶۱ |
| فصل چهارم: نتیجه‌گیری | ۱۳۰ |
| ۱-۴ عوامل پیدایش شوخ‌طبعی | ۱۳۱ |
| ۲-۴ انگیزه‌های پیدایش شوخ‌طبعی | ۱۳۱ |
| ۳-۴ شاخه‌های اصلی شوخ‌طبعی | ۱۳۴ |
| ۴-۴ شاخه‌های فرعی شوخ‌طبعی | ۱۳۴ |
| ۵-۴ صنعت‌های موجود در گونه‌های شوخ‌طبعانهٔ سنایی | ۱۳۵ |
| ۶-۴ ترفندهای موجود در گونه‌های شوخ‌طبعانهٔ سنایی | ۱۳۶ |

فهرست جداول

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱۸ | فصل دوم: شوخ‌طبعی و گونه‌های ادبی آن و زبان ادبی و نظریهٔ فرمالیست‌های روسی و ساختارگرایان..... |
| ۶۵ | ۱-۲ سطوح اصلی زبان..... |
| ۶۵ | ۲-۲ سطوح اصلی زبان براساس هنجارگرایی و قاعده‌افزایی..... |

شوخی طبیعی در آثار سنایی
حرمت مصلح رشت آبادی

شعر، ترجمان روح انسان، از جمله مقوله‌های هنری است که تأثیر بسزایی بر ذهن، روح و عملکرد گوینده و مخاطب دارد. یکی از اغراض این مقوله هنری، مطایبه یا شوخی طبیعی است؛ نگاهی که در آن جمع دو نقیض واقعیت و ضد آن امکان‌پذیر می‌شود و اساس آن بر دو عامل ریشخند و لذت استوار است.

سنایی، شاعر برجسته قرن ششم، هم صوفی آزاد بوده و هم شاعری حرفه‌ای و از آنجا که توجه وی بیشتر به تأثیر شیوه‌های بیانی بوده است تا دلالت‌های لفظی - معنایی آنها، تقریباً از همه امکانات بیانی برای بیان مقاصد و مطالب خود استفاده کرده است. یکی از این شگردهای بیانی شوخی طبیعی یا مطایبه است که وی به دلایلی چند از جمله ملاحظات هنری و زیبایی‌شناختی، ارجحیت و تفاخر نسبت به هنرمندان دیگر (عصر تفاخر)، فضا و شرایط حاکم در آن عصر (محیط)، القای اصول اخلاقی و معنوی در مقام ناصح و مرشد و جلب توجه مخاطبین (عام و خاص) از آن بهره برده است. از این رو، سعی بر این بوده است که در این رساله تحقیقی بعد از روشن کردن شخصیت سنایی و جایگاه شعری او و همچنین شوخی طبیعی و گونه‌های مختلف ادبی آن، تکنیک‌های شوخی طبیعی در آثار سنایی بررسی شود و شواهد مورد نظر به همراه توضیح ذکر گردد. در پایان با توجه به نظریه فرمالیست‌های روسی و ساختارگرایان این نکته تشریح می‌شود که شوخی طبیعی نوعی آشنایی‌زدایی و در برجسته‌سازی زبان ادبی مؤثر است.

کلیدواژه: سنایی، مطایبه یا شوخی طبیعی، زبان ادبی، آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی.

Abstract

Sense of humor in the works of Sanaee
Hormat Mosleh Rashtabadi

Poem, translation of human soul, is an artistic category which has deep affection on mind, soul of the speaker the audience. One of the purposes of this artistic category is the sense of humor or pleasantry. Sense of humor or pleasantry is a vision in which it is possible gather two paradoxes of reality and its opposite and its origin, and is based on two factors of flattery and enjoyment.

Sanaee, the outstanding poet of six the century was both a free-hearted Sufic and a professional poet and because of his attention toward the affection of declarative methods until their semantic – verbal implications, he used all of his declarative facilities for expressing his meanings and matters. One of these verbal tricks is sense of humor or pleasantry that he enjoys them for some reasons such as artistic regards and Aesthetics , preference and self glorification toward other artists (self glorification era) circumference and governing conditions in that era (circumference),induction ethics and moral principle at admonitor and draw the addressees , attention of people of all classes.Thus , in this investigative essay, it was intends to study sense of humor technicks in sanaee works, after clarifying the personality of the sanaee and his poetic place and also his sense of humor and different literary kinds of it, and the mentioned witness in addition to mention the explanation. So with regard to Russian formalists theory and structuralism, this note was to explain that sense of humor is a kind of defamiliarity and it will be effective in outstanding of literary language.

Key words: Sanaee, pleasantry or sense of humor, literary language, defamiliarity, make outstanding.

کلیات

۱- بیان مسئله، ضرورت و اهداف پایان‌نامه

شعر، ترجمان روح انسان، از جمله مقوله‌های هنری است که تأثیر بسزایی بر ذهن، روح و عملکرد گوینده و مخاطب دارد. یکی از اغراض این مقوله هنری، مطایبه یا شوخ‌طبعی است؛ نگاهی که در آن جمع دو نقیض واقعیت و ضد آن امکان‌پذیر می‌شود و اساس آن بر دو عامل ریشخند و لذت استوار خواهد بود.

سنایی، شاعر برجسته قرن ششم، به عنوان نخستین شاعری که معارف عرفانی را در آثار منظوم خویش با شرح و تفصیل بیان کرده است، شاعری جریان ساز محسوب می‌شود و آثار او پایه منظومه‌های عرفانی بعدی را تشکیل می‌دهد. از این رو، پژوهش درباره آثار او به درک بیشتر عرفان ایرانی - اسلامی و روشن شدن اشعار کج‌تاب و پیچیده او یاری می‌کند. این شاعر حکیم هم صوفی آزاد بوده و هم شاعری حرفه‌ای و از آنجا که توجه وی بیشتر به تأثیر شیوه‌های بیانی بوده است تا دلالت‌های لفظی - معنایی آنها، تقریباً از همه امکانات بیانی برای بیان مقاصد و مطالب خود استفاده کرده است. یکی از این امکانات بیانی شوخ‌طبعی یا مطایبه است.

در این رساله تحقیقی بعد از روشن کردن شخصیت سنایی و جایگاه شعری او و همچنین شوخ‌طبعی و گونه‌های مختلف ادبی آن، تکنیک‌های شوخ‌طبعی در آثار سنایی (طنز، هجو، هزل، طعنه یا کنایه و ...) با استفاده از ابزارهای هنری (تقابل، تشخیص، تناقض، کنایه، تشبیه، تمثیل و ...) بررسی می‌شود و شواهد مورد نظر به همراه توضیح ذکر می‌گردد. در پایان با توجه به نظریه فرمالیست‌های روسی و ساختارگرایان این نکته تشریح می‌شود که شوخ‌طبعی یا مطایبه نوعی آشنایی‌زدایی است و در برجسته‌سازی زبان ادبی مؤثر است.

۲- روش تحقیق

روش این پایان‌نامه، که یک پژوهش نظری است، تحلیلی - توضیحی است که در حوزه تحقیقاتی کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. لذا پس از بررسی جامع و فیش‌برداری از آثار سنایی که حدود نیمی از زمان پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد، به طبقه‌بندی، تحلیل و توضیح مباحث پرداخته می‌شود.

۳ - پیشینه تحقیق و مشکلات پایان نامه

« شوخ‌طبعی در آثار سنایی » موضوع تازه‌ایست که به صورت مبسوط به آن پرداخته نشده است، اما در مورد ساحت‌های شعری سنایی (اشعار زهد و مثل و اشعار هجوی و هزلی) در آثاری چون مقدمه دیوان سنایی، تازیانه‌های سلوک، با کاروان حله، جستجو در تصوف ایران، سیری در شعر فارسی، هجو در شعر فارسی، طنزپردازان ایران، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تاریخ طنز در ادبیات فارسی و حکیم اقلیم عشق بحث شده و غیر مستقیم و گذرا به بهره‌گیری از این امکان بیانی اشاره شده است. گفتنی است که این پژوهش نظری به دلایلی چون حجم وسیع آثار سنایی و سنگین و پیچیده بودن آنها، نبود الگویی برای انجام مراحل کار و همچنین کیفی بودن این مسایل (شوخ‌طبعی و گونه‌های مختلف آن) کاری بس سخت و دشوار بوده‌است.

فصل اول

«سنایی و جایگاه شعری او»

۱- زندگی‌نامه سنایی

ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی غزنوی شاعر، حکیم و عارف بزرگ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم در سال «۴۶۷» در غزنه دیده به جهان گشود.

گر چه مولد مرا ز غزنین است
نقش شعرم چو نقش ماچین است
خاک غزنین چو من نژاد حکیم
آتشی باد خوار و آب ندیم
(سنایی، ۱۳۷۴: ۷۰۷).

خاموشی این شاعر بزرگ نیز در همین شهر به سال «۵۲۹» بود. خاندان سنایی از خاندان‌های اصیل غزنه بودند و پدرش، آدم، مرد بایه‌ره از معرفت بود و در تعلیم و تربیت فرزندان رجال عصر، دارای مقام و اعتبار بود. دوران کودکی و جوانی او در غزنین گذشت و در همین شهر به تحصیل علوم و معارف زمانه پرداخت و در تمامی عرصه‌های علم و دانش روزگار، از ادبیات عرب گرفته تا فقه و حدیث و تفسیر و طب و نجوم و حکمت و کلام، به مقام بالایی رسید. او مردی حکیم و خردجوی بود و از خدا خواستار حکمت بود.

نخواهم لاجرم نعمت، نه در دنیا نه در جنت
همی گویم به هر ساعت چه در سرآ چه در ضرآ
که یا رب مر سنایی را سنایی ده تو در حکمت
چنان کز وی به رشک آید روان بوعلی سینا
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۰).

استغراق در قرآن و ایمان موجب شد که از حکمت یونان دوری کند و با چون و چراهای مذهبی مقابله نماید و آنها را دلیل کاهل‌نمازی به شمار آورد و اعتقاد به اهل یونان داشتن را کار دونان بداند و فلسفه‌خواندن را از عقل نداند.

او، خاندانش و بیشتر خراسانیان آن روزگار مذهب بوحنیفه داشتند. با این‌همه او و خاندانش، همچون اکثر سنیان پاک اعتقاد، به خاندان پیغمبر علاقه و ارادت فراوان داشتند و، مخصوصاً، عشق او به مولای متقیان به کلامش رنگ تشیع می‌دهد.

از پی سلطان دین پس چون روا داری همی
جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۵۱).

جانب هر که با علی نه نکوست
هر که گو باش، من ندارم دوست
(سنایی، ۱۳۷۴: ۳۶۱).

سنایی در جوانی هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، یک‌چند به بلخ سفر کرد و این مسافرت گویا برای پیدا کردن شغلی و ممبر معیشتی بود. بعد از این سفر، سنایی سفر دیگری به نواحی دورتر خراسان از جمله سرخس و نیشابور و هرات کرد و بیشترین اقامت او در سرخس بود. پس از مدتی اقامت در سرخس و هرات و نیشابور در سال‌های پایانی عمر، دوباره به غزنین بازگشت و به جمع‌آوری شعرهای عرفانی و اخلاقی خویش که در قالب مثنوی و در بحر خفیف سروده شده بود پرداخت و قصد داشت که منظومه‌ای مرکب از مضامین متنوع در باب اخلاق و عرفان به نام «فخری نامه» یا «الهی نامه» یا «حدیقه الحقیقه» فراهم سازد و آن را تقدیم محضر بهرامشاه غزنوی، پادشاه عصر خویش، کند. هنوز کار جمع‌آوری و تنظیم ابواب و فصول حدیقه یا فخری نامه به پایان نرسیده بود که در شب یکشنبه یازدهم شعبان سال «۵۲۹» در خانه عایشه نیکو، در محله نوآباد غزنین زندگی را بدرود گفت.

یکی از نکاتی که در زندگی سنایی همراه با افسانه‌های شگفت‌آور شده است، مسأله دگرگونی احوال او و در نتیجه تحول شعر اوست. از قدیم، تذکره‌نویسان قصه‌هایی (داستان سنایی با دیوانه لای‌خوار و داستان سنایی با پسر قصاب) را پرداختند، تا میان دو سطح شاعری او (مدح و هجو و زهد و مثل عرفانی) مرز زمانی ایجاد کنند، اما واقعیت آن است که میان این دو سطح شاعری و وجودی او هیچ مرز زمانی وجود نداشته و او تا پایان عمر میان این دو عالم در نوسان بوده است (ن ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۶؛ نیزن ک: زرین کوب، ۱۳۷۳: ۱۶۱-۱۶۲).

آثار سنایی

سنایی علاوه بر دیوان (قصاید، غزلیات، رباعیات، مقطعات، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط) که تقریباً شامل چهارده هزار بیت است، چند اثر منظوم دیگر دارد که عبارت‌اند از:

۱- حدیقة الحدیقه، یا الاهی نامه، یا فخری نامه

۲- سیر العباد الی المعاد

۳- کارنامه بلخ یا مطایبه نامه

۴- تحریمه القلم

وی همچنین اثری به نثر با عنوان مکاتیب دارد.

۱-۲ سبک سنایی

سنایی در آغاز حال از سبک عنصری، فرخی، منوچهری و مسعود سعد سلمان پیروی کرده و، مخصوصاً، به روش فرخی بسیار مایل بوده و در بیشتر قصاید قدیم او، از جمله قصایدی در مدح مسعود و درباریان، این روش پیداست. او همچنین در تغزل قدرت بی نظیری از خود نشان داده و متهای قدرت و مهارت و استادی را در انتخاب الفاظ و معانی به کار برده و تشبیهات لطیف و طبیعی آورده که همانند فرخی است و دست کمی از او ندارد، ولی چون فرخی فقط از راه لطف طبع و غریزه طبیعی شعر می سروده، اشعارش ساده تر و از آمیزش به اصطلاحات علمی دور می باشد، به خلاف اشعار سنایی که چون وی علاوه بر ذوق فراوان و طبع روان، حکیم و فیلسوف بوده و به رموز و مسایل ریاضی و علوم رسمی آن زمان آشنایی و اطلاع وافر داشته، سادگی طبیعی شعر فرخی را از دست داده و از تأثیرات علمی و اصطلاحات علمی، غالباً برکنار نمانده و گاهی هم سبب پیچیدگی و تعقید قسمتی از اشعارش شده است. در کلام او گاه لحن ناصر خسرو به گوش می خورد، با این تفاوت که در لحن ناصر آهنگ حکمت قوی تر است و در گفتار وی لحن زهد و عرفان (ن ک: شفیع کدکنی، ۱۳۶۲: ۷۵-۷۶؛ نیز ن ک: زرین کوب، ۱۳۶۳: ۵۴-۵۵ و ۱۶۹).

در واقع، یکی از ویژگی های سبک سنایی کاربرد عناصر توصیفی است که از منابع گوناگون برگرفته شده است. کثرت این عناصر در آثار سنایی او را در بین شاعران پارسی گو اندیشمندی با آگاهی های دایرة المعارفی نشان داده است. هدف اشعار او بیان دانش ها تنها به خاطر خود آنها نیست، بلکه گنجینه سرشار تصاویر، شیوه های بیان و مفاهیمی که سنایی در اختیار دارد، برای جلب توجه مخاطب در پذیرش پند و نصیحت است (ن ک: بروین، ۱۳۷۸: ۴۷۳).

سنایی در کنار پیروی از شاعران قبل از خود، اسلوب خاصی نیز دارد که اشعار زهدیه و تعلیمی و اخلاقی او نتیجه آن است. این شیوه تازه، که آن را می توان به پیروی از تعبیر خاقانی شیوه «زهد» یا «تحقیق» خواند، عبارت بود از بیان زهد و عرفان در بافت شاعرانه. «با توجه به این روش تحقیق یا موعظه یکی دیگر از ویژگی های سبک سنایی، حد اعلاى ایجاز در کلام است که زائیده دقت

بسیار او در بیان اندیشه‌ها به شکلی فشرده است. اشعار تعلیمی سنایی، غالباً، از تأثیری همچون کلمات قصار برخوردار می‌باشد» (بروین، ۱۳۷۸: ۴۷۳).

سنایی چنانکه تتبع از سبک و طریقه شعری دیگران کرده، از مضامین اشعار شعرای مقدم استفاده فراوان نیز نموده و معانی بسیاری از آن اخذ و اقتباس کرده است. گاهی او یک بیت یا یک مصرع از گفته دیگران را در اشعار خود به تضمین آورده است و گاه نیز در مضمون ابیات دیگران تصرف کرده و در شعر خویش آورده است.

برای نمونه وی در قصیده‌ای بیت ابوحنیفه اسکافی را در شعر خویش آورده است:

| | |
|--|-------------------------------------|
| نیستی اندر طریق شعر گفتن آنچنانک | بوحنیفه گفت در شعری برای عنصری |
| اندرین یک فن که داری وان طریق پاری است | دست دست توست کس را نیست با تو داوری |
| یا اینکه مضمون این شعر فردوسی را: | |

| | |
|---------------------------|-------------------------|
| که را دریس پرده دختر بود | اگر تاج دارد بداختر بود |
| این‌گونه به کار برده است: | |

| | |
|---------------------------|--------------------------|
| چه نکو گفته آن نکو استاد | که وی افکند شعر را بنیاد |
| کآنکه را دختر است جای پسر | گرچه شاه است هست بداختر |

(ن ک: مدرس رضوی، ۱۳۶۲: ۸۰).

۱-۳ شعر سنایی

(ساحت‌های وجودی و شعری سنایی)

با توجه به اشعار سنایی می‌توان گفت که وی دارای سه شخصیت متفاوت است:

۱- سنایی مداح و هجاگوی (قطب تاریک شعر او)

۲- سنایی واعظ و ناقد اجتماعی (مدار خاکستری شعر او)

۳- سنایی قلندر و عاشق (قطب روشن شعر او)

گفتنی است که میان این ساحت‌های وجودی و شعری سنایی هیچ مرز زمانی وجود ندارد و تا آخر عمر در میان این ساحت‌ها در

نوسان بوده است (ن ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۶).

قطب تاریک شعر او

بخش قابل ملاحظه‌ای از کلیات سنایی را مجموعه هجاها و مدایح تشکیل می‌دهد. در این قطب سنایی، غالباً، شاعری است متوسط، لفظاً و معنأً، که به راحتی می‌تواند در کنار عثمان مختاری و سید حسن غزنوی و عبدالواسع جبلی و امثال ایشان که معاصران اویند، قرار گیرد. برای نمونه اگر قصایدی از این قبیل:

این ابلهان که بسی سببی دشمن من‌اند
بمس بوالفضول و یافه‌درای و زنج‌زن‌اند
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۶۱).

در قلمرو این قطب تاریک شعر سنایی قرار داده شود، در آن صورت شاید بتوان چند نمونه از این‌گونه شعرها را، به‌ویژه، بخش‌هایی از منظومه حدیقه را که در همین قطب تاریک شعر او قرار دارد، به حساب نمونه‌های این حال و هوای روحی گذاشت و سنایی را یکی از بهترین هجوگویان عصر نیز به شمار آورد. گفتنی است که کم نیست هتاک‌های او در حدیقه که هجو است و استوار و زیبا و با همه استهجان لحن، از مهارتی شگفت‌آور در زبان شعر خبر می‌دهد. وسیطره سنایی را بر قلمرو الفاظ و تعبیرات شاعرانه در سر حد کمال نشان می‌دهد. در حقیقت این‌گونه هجوها- با همه استهجان- در هدفی متعالی‌تر از نوع هجوهای رایج عصر سروده شده است و آن لحن سخن از لوازم مدار خاکستری شعر او و حتی قطب روشن شعری او تلقی می‌شود، اما در هجوهای رایج در میان معاصرانش، چشم‌انداز گوینده و خاستگاه شعر به تعبیر انوری همان چشم‌انداز «حرص و خشم و شهوت» است. برای مثال این‌گونه هجوها از آن دسته‌اند:

گفتی به پیش خواجه که این غزنوی غر است
زان رو که تا مرا ببری پیش خواجه آب
چون تو دروغ گفتی داد از طریق راستی
هم لفظ غزنوی به مصحف تو را جواب
(همان: ۱۰۴۹).

سنایی در چنین هجوهای کمتر توانسته است کلام خود را از حد مصداق فردی و تاریخی فراتر برد و به آفرینش تیپ (typ) یا نوع خاص پردازد که مصادیقش در تاریخ همواره تکرار شوند و آن شعر همواره معنی‌دار و جاویدان باشد. در مقابل هجو، مدایح این بخش نیز، مدایحی است که نسبت به مدایح شاعرانی چون عنصری و انوری هیچ امتیاز خاصی ندارد، مگر بعضی از تغزل‌های او که می‌توان آنها را در مرزهای روشن شعری سنایی بررسی کرد. این مدایح بیشتر در مورد بهرامشاه است. گویا تا آخر عمر، سنایی با